

است که این فشارها اغلب بدون پشتیبانی کافی اعمال می‌شود. نه بازآموزی گسترده‌ای برای معلمان در نظر گرفته می‌شود، نه فضای آموزشی متناسبی فراهم می‌آید و نه بودجه لازم اختصاص می‌یابد. در چنین شرایطی، هر تصمیم بزرگ، به‌جای آنکه زمینه‌ساز تحول باشد، به یک معضل تازه تبدیل می‌شود.»

ملک‌زاده اعتقاد دارد که عدالت آموزشی، مفهومی گسترده‌تر از صرفاً اجبارکردن یکسال آموزشی است؛ چون عدالت یعنی همه کودکان، فارغ از موقعیت جغرافیایی و وضعیت اقتصادی خانواده، به فرصت‌های برابر برای یادگیری با کیفیت دسترسی داشته باشند. ایسن امر نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت، سرمایه‌گذاری جدی در تربیت معلم متخصص، تأمین فضاهای آموزشی استاندارد و تضمین کیفیت در سراسر کشور است: «اجبار بدون این مقدمات، می‌تواند تنها به یک تفاوت ظاهری منجر شود؛ دانش‌آموز شهری در کلاس مجهز با مربی حرفه‌ای درس بخواند و دانش‌آموز روستایی در فضایی نامناسب با آموزش حداقلی وقت بگذراند. پیش‌دستانی اجباری می‌تواند فرصتی تاریخی برای نزدیک‌ترشدن به عدالت آموزشی باشد، اما به‌شرط آنکه در دام تصمیمات شتاب‌زده و بی‌برنامه گرفتار نشود. آموزش‌وپروورش به تصمیم‌هایی پایدار، کارشناسی‌شده و همراه با نقشه‌راه نیاز دارد؛ نه تغییرات مقطعی و آزمون و خطا. آینده کودکان، عرصه تجربه‌گری نیست؛ سرمایه‌ای ملی است که تنها با نگاه بلندمدت، پژوهش‌محور و عادلانه‌می‌توان از آن پاسداری کرد.»

❖ راهکار، تغییر نظام آموزشی نیست

طراحانی که ۱۴ سال پیش شش‌ساله‌شدن مقطع دبستان را کلید زدند، روی نهادینه‌شدن مفاهیم دوره ابتدایی تأکید می‌کردند و با دلایل آموزشی از طرح خود دفاع می‌کردند. نقد کارشناسان آموزش به این طرح هم به همین نگاه یک‌جانبه و صرفاً آموزشی بود. محمد داوری، سخنگوی سازمان معلمان می‌گوید، طرح شش‌ساله‌شدن مقطع دبستان به اهداف‌اش نرسید و مطرح‌کردن اضافه‌شدن پیش‌دستانی و حذف پایه ششم مثل زمانی که آن را اجرا کردند، عجلانه‌است: «طرح شش‌ماه برای پایه‌ششم محتوا و برنامه‌نوشتنند و بعد دچار چالش شدند؛ نمونه‌ان هم‌زمانی با دوران بلوغ دانش‌آموزان بود. این دوره نمی‌تواند با پایه‌های قبل از آن در یک‌مقطع قرار گیرد. چالش بعدی، تأمین ساختمان بود؛ چون بعد از تفکیک دوره‌ها برای مدارس سخت بود که بتوانند دو دوره را از هم تفکیک کنند و در بیشتر مدارس، دوره‌های اول و دوم در یک مدرسه‌بودند.»

داوری از تفاوت‌رشدی پایه اول و ششم می‌گوید و توضیح می‌دهد که حضور ایسن دانش‌آموزان در یک مدرسه، آنها را دچار چالش‌های روابط اجتماعی می‌کند: «موضوع عدالت آموزشی، وسیع‌تر از این است که با افزودن پیش‌دستانی و تعجیل در سن ورود به مدرسه بتوان آن به‌پداخت. علاوه بر این، با اجرای طرح جدید، چالش نیروی انسانی هم مطرح می‌شود. آیا نیروی انسانی مورد نیاز و فرصتی برای تربیت آن، وجود دارد؟»

تغییرات نظام‌های آموزشی کارآمد بوده است؟ سخنگوی سازمان معلمان می‌گوی، بنظر می‌رسد اهداف مورد تغییر قبلی نظام آموزشی، تحقق پیدا نکرده و شش‌ساله‌شدن این دوره و تفاوت سنی و رشدی کودکان در این مقطع، باغ‌شده از نظر اجتماعی کارکرد تربیتی نداشته باشد: «علوم روانشناسی و تربیت اجتماعی می‌گوید، ترکیب دوره‌ها باید به‌شکلی در نظر گرفته شود که دانش‌آموزان از نظر بلوغ اجتماعی و یادگیری، سنجیت داشته باشند. نبود این سنجیت باعث شد اهداف آموزشی و تربیتی شش‌ساله‌شدن مقطع ابتدایی محقق نشود. با یک نگاه ساده، در یک مدرسه ابتدایی هم این نبود سنجیت را می‌بینیم. معلمان هم وقتی با دانش‌آموزان هفتم روبرو می‌شوند، از نظر تسلط آنها به مفاهیم آموزشی دوره ابتدایی به‌شدت گله‌مندند. درمجموع بنظر می‌رسد اهداف موردنظر تدوین‌کنندگان محقق نشده است.»

سخنگوی سازمان معلمان تأکید می‌کند که ناکارآمدی نظام آموزشی در ایران سال‌هاست از سوی کارشناسان با انتقاد روبرو است و در این شرایط تغییر سال‌های نظام آموزشی، مهم‌ترین راهکار نیست: «این تغییرات که اولویت‌مباحث کارشناسی نیست، به‌غیر از سردرگمی و پریشانی برای خانواده‌ها و دانش‌آموزان، نتیجه دیگری ندارد. اگر به‌دنبال کارآمدی نظام آموزشی هستیم، باید از جای دیگری شروع کنیم؛ چون این ناکارآمدی دلایل ساختاری دارد.»

او آموزش‌وپروورش را متمرکز، حجیم و دستوری با دخالت نهادهای حاکمیتی غیرتخصصی، همراه با حاکمیت تفکرات ایدئولوژیک بر محتوا و مدیریت آموزشی توصیف می‌کندو می‌گوید، اگر کمیسیون آموزش مجلس می‌خواهد آموزش‌وپروورش را از ناکارآمدی خارج کند، باید فکری به‌حال ساختار ناکارآمد و سیطره سیاست و ایدئولوژی در یک دستگاه کاملاً تخصصی کند.

داوری درباره شروع آموزش رسمی از پنج‌سالگی می‌گوید، تصمیم برای اجرای این طرح باید مبنایی کارشناسی داشته باشد: «از سه‌منظر باید ورود کودکان به مدرسه قبل از سن هفت‌سالگی را بررسی کرد؛ تغییرات نسلی، آماده‌سازی دانش‌آموزان چندرزنانه با زبان فارسی و آماده‌سازی روانشناختی و اجتماعی کودکان برای ورود به مدرسه. هرکدام از این سه‌هدف که دلیل اجرای شروع آموزش از سن پنج‌سالگی باشد، باید قبل از اجرا بررسی شود»

❖ رسمی‌شدن آموزش پیش‌دستانی بدون استراتژی

آذرماه سال گذشته رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپروورش، در یک نشست از پژوهشی در آمریکا گفت که نشان می‌دهد پیامدهای محتمل محرومیت از دوره پیش‌دستانی در کودکانی که در معرض خطرند، یعنی در مناطق کمتربرخوردارتر مثل کاشانه‌ی شهرها و... که فقر چندجانبه دارند، زندگی می‌کنند -و امکان حضور در پیش‌دستانی را ندارند، در مقایسه با کودکان همین مناطق که تجربه پیش‌دستانی دارند، قابل توجه‌است. ۲۵

درصد احتمال افت تحصیلی و ترک‌تحصیل در آنها بیشتر است و احتمال اینکه اصلاً به دانشگاه راه پیدا نکنند، ۶۰ درصد بیشتر از کودکانی است که به پیش‌دستانی رفته‌اند و ۷۰ درصد احتمال بیشتری وجود دارد که به‌دلیل ارتکاب جرم‌دستگیر شوند.

حجت‌الله طالبیان‌بروجنی، کارشناس آموزش‌وپروورش هم می‌گوید، ممکن است در نگاه اول شروع آموزش رسمی از پنج‌سالگی، فرصتی برای افزایش مدت‌زمان یادگیری کودکان تلقی شود، اما واقعیت این است که چنین تغییری بدون در نظر گرفتن ابعاد روان‌شناسی رشد و زیرساخت‌های لازم، می‌تواند تبعات منفی جدی به‌همراه داشته باشد. روان‌شناسان تربیتی از جمله پیازه، تأکید دارند که در این سنین، کودک هنوز در مرحله رشد پیش‌عملیاتی است و نیاز اصلی او تجربه‌های عاطفی، اجتماعی، حرکتی و بازی‌محور است، نه ورود به فضای رسمی و ساختارمند آموزش. او اعتقاد دارد که هنوز استراتژی روشنی برای «رسمی‌شدن آموزش پیش‌دستانی» در ایران تعریف نشده است: «اگر قرار باشد محتوای آموزشی کلاس اول ابتدایی به دوره پیش‌دستانی منتقل شود، این امر به‌طور جدی برای رشد عاطفی، ذهنی و اجتماعی کودکان، خطرناک و مضر خواهد بود. در مقابل، اگر بخواهیم با تکیه بر روان‌شناسی رشد و اصول علمی آموزش، این دوره را طراحی کنیم، موفقیت آن مشروط به چند پیش‌نیاز اساسی است: وجود مربیان آموزش‌دیده در حوزه تربیت کودک، فضاها و تجهیزات متناسب با نیازهای این گروه سنی (و نه صرفاً کلاس درس رسمی)، همچنین برنامه و محتوای آموزشی متناسب با ویژگی‌های رشدی کودکان؛ چون هر نوع ضعف در تأمین این پیش‌نیازها، عملاً می‌تواند به قربانی‌شدن نسلی از دانش‌آموزان منجر شود و آموزش رسمی را از همان ابتدا به تجربه‌ای پر چالش و نابرابر برای کودکان بدل کند؛ به‌همین دلیل تصمیم‌گیری در ایسن زمینه باید مبتنی بر مطالعات عمیق، اجماع کارشناسی و نگاه بلندمدت باشد، نه براساس تصمیم‌های آنی و مقطعی.»

طالبیان‌بروجنی می‌گوید، اجباری شدن پیش‌دستانی در ظاهر می‌تواند یک گام به‌سمت عدالت آموزشی باشد؛ چون بسیاری از خانواده‌ها به‌دلیل هزینه‌ها تاکنون از ثبت‌نام فرزند خود در این دوره محروم مانده‌اند. عدالت آموزشی به‌معنای فراهم‌کردن فرصت‌های برابر یادگیری برای همه کودکان، فارغ از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانواده‌هاست. اما تحقق این عدالت در عمل، نیازمند رفع چند چالش جدی است: «در حال حاضر، دوره پیش‌دستانی بیشتر در مراکز غیردولتی و خصوصی برگزار می‌شود که تازه زیر چتر سازمان تعلیم و تربیت سامان دهی شده‌اند. کیفیت این مراکز در شهرهای بزرگ، حتی از یک محله به محله دیگر، تفاوت چشمگیری دارد؛ از فضای آموزشی و امکانات گرفته تا محتوای درسی و مهارت‌های تربیتی که به کودکان ارائه می‌شود. همین نابرابری‌ها سبب چنددستگی کودکان در بدو ورود به دبستان شده و در نهایت اصل عدالت آموزشی را زیر سوال برده است. از این نگاه، اجباری‌شدن پیش‌دستانی بدون تدوین یک رآبهرد روشن و جامع، نه‌تنها شکاف موجود را پر نمی‌کند، بلکه به چالش‌های تازه‌ای هم دامن می‌زند. قانون‌گذار و مجری باید به‌صراحت مشخص کنند که دقیقاً چرا به‌دنبال چنین تغییری هستند؟ چه اهدافی را دنبال می‌کنند و چگونه می‌خواهند به آن برسند. در این مسیر، تعامل علمی و مشارکت واقعی میان همه متخصصان تعلیم و تربیت، با هر گرایش و طرز فکری، یک ضرورت غیرقابل چشم‌پوشی است.» «تغییر در نظام آموزشی به‌طور طبیعی فرآیندی پیچیده و پرچالش است و فشار مستقیم آن بر معلمان، مدیران و دانش‌آموزان وارد می‌شود.» این کارشناس آموزش‌وپروورش می‌گوید، تجربه‌تغییر یک‌باره نظام آموزشی با اضافه‌شدن پایه ششم نشان داد که این تحولات می‌تواند پیامدهای جدی داشته‌باشد؛ فاصله‌سنی معنادار میان دانش‌آموزان اول و ششم ابتدایی، ورود دیران تخصصی به دوره ابتدایی به‌دلیل تغییر مقطع، کمبود فضای آموزشی به‌ویژه در مدارس پنج کلاسه و مراکز استان‌ها و حتی نیاز به استفاده از کانکس‌ها، همگی نمونه‌هایی از چالش‌های عملی بودند. محتوای آموزشی نیز در سال اول اجرا، ظرف سه تا چهارماه تولید شد و در طول زمان به‌تدریج اصلاح شد، اما هنوز بسیاری از آسیب‌ها و نقاط بحرانی برطر ف‌نشده‌اند.

او اعتقاد دارد هر تغییر ساختاری جدید، بدون برنامه‌ریزی دقیق و آماده‌سازی زیرساخت‌ها می‌تواند دوباره چنین مشکلاتی را تکرار کند و حتی فشار و سردرگمی معلمان و دانش‌آموزان را افزایش دهد؛ چون اصلاحات در نظام آموزشی باید براساس مطالعات کارشناسی، ارزیابی دقیق تجربه‌های گذشته و فراهم‌کردن زیرساخت‌های لازم انجام شود تا کیفیت آموزش ارتقاء یابد و بی‌ثباتی و آسیب‌های تربیتی کاهش پیدا کند.

تأکید طالبیان‌بروجنی و کارشناسان حوزه آموزش این است که تکرار تغییرات ساختاری در نظام آموزشی، به‌ویژه در بازه‌های کوتاه‌مدت، می‌تواند نشانه‌ای از بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری آموزشی باشد. بی‌ثباتی باعث می‌شود خانواده‌ها، معلمان و مدیران مدارس نتوانند برنامه‌ریزی بلندمدت انجام دهند و فرصت ارزیابی و اصلاح تجربه‌های قبلی از دست برود.

حالا اومی‌گوید، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که سیاست‌گذاران آموزشی باید به آن توجه کنند، افزایش و تقویت اعتماد عمومی جامعه نسبت به نظام آموزشی و واحد اصلی آن، یعنی مدرسه است. همان‌طور که جان دیوینی، فیلسوف و نظریه‌پرداز آموزش‌وپروورش، گفته است: «آموزش، ابزاری برای ایجاد جامعه‌ای بهتر است و جامعه‌ای که به مدرسه اعتماد ندارد، قادر به رشد نخواهد بود. در سهال‌های اخیر و با شروع پاندمی کرونا، نظام آموزشی با مشکلات ترک‌تحصیل، افزایش تحصیل خصوصی و نابرابری‌های آموزشی مواجه شده است. اگر برای این تغییر نتوان اعتماد عمومی جامعه را جلب و تقویت کرد، روند این چالش‌ها با سرعت بیشتری پیش خواهد رفت و هر تغییر ساختاری، به‌جای اصلاح، ممکن است



نرگس ملک‌زاده معلم و کارشناس آموزش:

«هر ۱۰ تا ۱۵ سال یک‌بار، طرحی کلان معرفی می‌شود که قرار است ساختار آموزش را متحول کند این تغییرات معمولاً نه بر پایه پژوهش‌های میدانی و داده‌های دقیق، بلکه بیشتر براساس تصمیم‌های مقطعی و فضای سیاسی یا مدیریتی آن زمان اتخاذ می‌شوند

در حالی که این تغییرات ساختاری، بدون برنامه‌ریزی دقیق و آماده‌سازی زیرساخت‌ها، می‌تواند دوباره چنین مشکلاتی را تکرار کند و حتی فشار و سردرگمی معلمان و دانش‌آموزان را افزایش دهد؛ چون اصلاحات در نظام آموزشی باید براساس مطالعات کارشناسی، ارزیابی دقیق تجربه‌های گذشته و فراهم‌کردن زیرساخت‌های لازم انجام شود تا کیفیت آموزش ارتقاء یابد و بی‌ثباتی و آسیب‌های تربیتی کاهش پیدا کند.

سه شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۴
سال چهارم ـ شماره ۸۷۷
www.hammihanonline.ir

بی‌ثباتی و نارضایتی عمومی را تشدید کند.»

بروجنی در پاسخ به این پرسش که سیستم ۳-۵-۱ برای نظام آموزشی فعلی ایران کارکردی خواهد داشت؟ می‌گوید: «هیچ ساختار عددی به‌خودی‌خود ضامن کیفیت آموزش نیست. کارآمدی نظام آموزشی وابسته به سه‌رکن اصلی است: نیروی انسانی متخصص، فضا و تجهیزات متناسب، و منابع و محتوای آموزشی سازگار با نیازهای رشدی کودکان. تا زمانی که این سه‌رکن تقویت نشود، تغییر از ۳-۳-۶ به ۳-۳-۱۰-۵ تنها یک جابه‌جایی صوری است که همان مشکلات گذشته را در لباسی جدید بازتولید خواهد کرد. بنابراین به‌جای تغییرات شتاب‌زده در اعداد و سال‌های تحصیلی، اولویت باید اصلاح عمیق محتوای آموزشی، تربیت معلم و تأمین زیرساخت‌ها باشد. ساختار ۳-۳-۱۰-۵ در عمل شامل یکسال پیش‌دستانی، پنج‌سال ابتدایی، سه‌سال متوسطه اول و سه‌سال متوسطه دوم است. اولین نکته مهم این است که مشخص شود چرا سیاست‌گذاران دنبال این تغییر هستند و کدام ضعف‌ها در سیستم قبلی احصا و به‌صورت کارشناسی مورد پژوهش قرار گرفته‌اند که آنها را به این مدل جدید رسانده است؟ دوم اینکه، در راه دستیابی به اهداف متحولانه و بهبود، رهیافت و نحوه اجرای تغییر بسیار تعیین‌کننده است. با توجه به وضع فعلی سیستم آموزشی از نظر نیروی انسانی، فضا و تجهیزات و محتوای آموزشی مناسب، رسیدن به اهداف بهبود در این مقطع یک‌دور باطل است. برای مثال، ضعف مفرط و نتایج ضعیف دانش‌آموزان در آزمون‌های بین‌المللی مانند تیمز و پرلز در سال‌های اخیر بسیار رسانه‌ای شده است. تا زمانی که روشن نباشد این تغییر جدید چگونه با هدف بهبود وضعیت در این استانداردها مرتبط است، نمی‌توان درباره کارکرد و اقبال آن اظهارنظر دقیق کرد. به‌عبارتی، این سوال شبیه سوالی است که از یک مربی فوتبال درباره انتخاب سیستم‌های مختلف چیدمان بازیکنان پرسیده شود. مربی پاسخ جالبی به این پرسش داشت: «هیچ کدام مهم نیستند و نسبت به دیگری برتری ندارند، مهم این است که ما پرورز شویم.» در نظام آموزشی نیز تا زمانی که اهداف، روش‌ها و زیرساخت‌ها روشن و آماده نشده باشند، هیچ ساختار عددی و قالبی به‌تنهایی تضمین موفقیت نخواهد بود.»

آگهی فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه‌گران

مناقصه شماره م ع پ/ ۰۱۶/۱۴۰۴ به شماره سامانه ستاد: ۷۳۰۰۰۰۰۴۵۰۹۱۶۴۰۰۰۰۰۰۰۰



شرکت ملی نفت ایران

شرکت پالایش و پخش نفت ایران (سهامی خاص)

نوبت اول

شرکت پایانه‌های نفتی ایران (سهامی خاص) در نظر دارد انجام خدمات موضوع مناقصه را با در نظر گرفتن شرایط کلی زیر و از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)، به صورت فراخوان عمومی ارزیابی کیفی مناقصه گران به مناقصه گر واجد شرایط واگذار نماید:

(الف) کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا تهیه فهرست مناقصه گران دارای صلاحیت، ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند.
خاطر نشان می‌سازد به موجب بخشنامه وزارت صمت امکان ثبت نام بر خط رایگان در این سامانه جهت کلیه مناقصه گران فراهم می‌باشد.

شماره تماس سامانه ستاد در تهران جهت انجام مراحل عضویت در سامانه ۰۲۱۱۴۵۶ و اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام در سایر استان‌ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش «ثبت نام / پروفایل تأمین کننده/مناقصه گر» موجود است.

(ب) نوع فراخوان: مناقصه عمومی توأم با ارزیابی کیفی جهت انتخاب مناقصه گر واجد شرایط به منظور انجام خدمات موضوع مناقصه / دو مرحله ای
(ج) نام و نشانی دستگاه مناقصه گزار: تهران- خیابان پاسداران- بالاتر از برج سفید – خیابان شهید حجت سوری (نیستان هفتم) پلاک ۱۱- شرکت پایانه‌های نفتی ایران (سهامی خاص)

(د) موضوع مناقصه: استفاده از خدمات یک فروند یدک کش عملیاتی آتشیخوار از نوع ASD، به صورت ۲۴ ساعته (شبانه روزی)

(ه) شرح مختصر خدمات: شرکت در عملیات بستن و باز کردن نفت کش‌ها، جابجایی نفرات شامل راهنما، کارمند اسناد، تعویض شیفیت کارکنان مستقر بر روی یدک کش‌ها و گوی‌های شناور، ارائه خدمات پشتیبانی و آماده باش در کنار گوی شناور، شرکت در عملیات پاکسازی و رفع آلودگی در دریا، توانایی ارائه خدمات جابجایی با جرد، جاسک، فاز ۱۲ پایانه میعانات گازی پارس جنوبی و پایانه نفتی خارگ، جابجایی شناورهای مناقصه گزار بین مناطق عملیاتی و داک، ارائه خدمات اطفای حریق و ارائه دیگر خدمات مورد نیاز مناقصه گزار که در محدوده توانایی این شناور باشد.

(و) نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار، تضمین انجام تعهدات و حسن انجام کار:
ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۶۸۹۶۸۰۱۰۷ یورو یا ۳۰۵۱۰۷۳۳۰۲۰۷۳۱۳۱۸۰۸ ریال حسب آئین نامه شماره ۱۳۳۴۰۲/ت/۵۰۶۵۹۰۵ هـ مورخ ۰۹/۰۹/۹۴
هیأت محترم وزیران و همچنین تضمین انجام تعهدات در صورت برنده شدن به میزان ده درصد نرخ پیشنهادی برنده مناقصه؛ ضمناً تضمین صادره می‌بایست مطابق فرمت‌های نمونه پیوست آئین‌نامه مذکور ارائه گردد؛ لذا مناقصه گزار از پذیرش تضمینی که فاقد شرایط فوق باشد معذور بوده و هیچ گونه مسئولیت و تعهدی در این خصوص، نخواهد داشت.
شایان ذکر می‌باشد پس از انعقاد قرارداد، به میزان ده درصد از هر صورت وضعیت مناقصه گر برنده به عنوان تضمین حسن انجام کار کسر می‌گردد.

(ز) محل، مدت زمان اجرای خدمات و برآورد مناقصه گزار: محل اجرای خدمات جزیره خارگ، بندر ماهشهر، عسلویه، جاسک و سایر بنادر خلیج فارس و دریای عمان و دریای آزاد و سایر ترمینال‌های سیار و ثابت در حوزه خلیج فارس بوده و مدت انجام خدمات ۲ (دو) سال شمسی و برآورد مناقصه گزار ۴۳۸۰۷۰۰۰ (چهار میلیون و سیصد و هشتاد هزار) یورو می‌باشد.

(ح) مدت اعتبار پیشنهاد: مدت اعتبار پیشنهاد از تاریخ ارائه پیشنهاد مالی به مدت ۱۸۰ روز می‌باشد.

(ط) گواهی‌ها، مجوزها و مدارک مورد نیاز:

(۱) ارائه پروانه کار یا گواهینامه فعالیت از سازمان بنادر و دریانوردی

(۲) دارا بودن شخصیت حقوقی

(۳) ارائه گواهی نامه تایید صلاحیت پیمانکاری از نظر ایمنی از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در زمان عقد قرارداد با مناقصه گر برنده الزامی می‌باشد.

(۴) ارائه شناسه ملی حسب ماده ۱۶ آیین‌نامه اختصاص شناسه ملی به کلیه اشخاص حقوقی ایرانی.

(۵) ارائه تصویر مصدق کد اقتصادی شرکت و کد ملی صاحبان مجاز امضا

(۶) ارائه صورت‌های مالی حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا اعضای جامعه حسابداران اصلی

ی- زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد ارزیابی کیفی:

■ با عنایت به ابلاغیه شماره ۱۴/۰۹۳۵/۱ مورخ ۰۵/۰۹/۱۳۹۹ دبیر محترم کارگروه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) و تأکید موکد بر الزام یکارگیری امضای الکترونیکی اسناد پاکت‌های (ب) و (ج) و عدم پذیرش نسخ فیزیکی و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهر گرم)، کلیه مناقصه گران موظف می‌باشند تمامی اسناد پاکت‌های (ب) و (ج) مناقصه را با امضاء الکترونیکی و در موعد مقرر در اسناد مناقصه از طریق سیستم سامانه ستاد بازگذاری نمایند در غیر اینصورت مناقصه گزار از پذیرش نسخه فیزیکی اسناد پیش گفته معذور خواهد بود.

■ کلیه مناقصه گران واجد شرایط می‌توانند به مدت ۷ روز از زمان درج آگهی نوبت دوم نسبت به دریافت اسناد و معیارها و جداول ارزیابی کیفی از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام و ظرف مهلت ۱۴ روزه پس از انقضای مهلت دریافت اسناد، ضمن تکمیل، مهر و امضای آن‌ها و الصاق مستندات مربوطه به همراه سایر اسناد، مدارک و گواهینامه‌های ذکر شده در آگهی نسبت به تغذیه اسناد پیش گفته در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند.

■ همچنین مناقصه گران می‌توانند جهت رویت آگهی به سایت‌های WWW.IOTCO.IR WWW.SHANA.IR WWW.MPORG.IR مراجعه نمایند.

■ مناقصه گزار در رد و یا قبول مدارک در تمام مراحل مطابق قانون برگزاری مناقصات و آیین‌نامه‌های اجرایی آن مختار خواهد بود.

روابط عمومی

خبر سازان



۲۱ نهاد مسئول مقصر بندر شهید ر جایی

رئیس قوه قضائیه گفته است که براساس نظریه کارشناسی، در ۹۲ شاخص، ۲۱ نهاد مسئول در انفجار بندر شهید ر جایی مقصر شناخته‌شده‌اند.
محسنی‌اژه‌ای، با گذشت بیش از چهارماه از این حادثه، حسب ابلاغ قرار در روز ۱۰ خردادماه جهت کارشناسی حادثه، با حضور پنج نفر از کارشناسان رسمی در رشته‌های مرتبط، طی چندین مرحله بازدید و حضور در محل حادثه و بررسی محل، گزارش کارشناسی در قالب ۸ بخش ۴۵ صفحه، تنظیم و تقدیم شعبه بازپرسی شده است:
«طبق نظریه کارشناسی، تحلیل این حادثه نشان می‌دهد، عوامل متعددی از جمله نگهداری نامناسب مواد خطرناک برای مدت طولانی، فقدان کنترل‌های محیطی کافی، ضعف در هماهنگی بین سازمانی و غلبه ملاحظات اقتصادی بر الزامات ایمنی، در وقوع آن نقش داشته‌اند.»
به گفته او، اداره کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان، صاحبان کالاهای صادراتی، گمرک استان هرمزگان، بانک مرکزی، گمرک جمهوری اسلامی ایران، وزارت بهداشت و درمان، وزارت راه و شهرسازی، وزارت صمت، سازمان حفاظت محیط‌زیست، صاحبان کالاهای وارداتی، سازمان بنادر و دریانوردی، شرکت‌های کشتیرانی، وزارت اقتصاد و امور دارایی، اداره محیط‌زیست هرمزگان، سازمان استاندارد کل کشور، سازمان پدافند غیرعامل کل کشور، شرکت توسعه خدمات دریایی و بندری سینا، بنیاد مستضعفان، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سازمان اموال تملیکی و اداره کار استان هرمزگان، در حادثه انفجار بندر شهید ر جایی مقصر شناخته‌شده‌اند.